



Sense of Appreciation

حس قدردانی

Lesson 1

مفاهیم کلیدی

۴۰

مفاهیم کلیدی

سؤال‌های کوتاه ۴۲

حس قدردانی ۴۵

جمله‌های مجهول ۴۱

جمله‌های مرکب ۴۴

واژگان و اصطلاحات جدید ۴۰

ریدینگ استراتژی ۴۳

آزمون تشخیصی مفاهیم کلیدی

۴۱ شکل درست فعل داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید.

- The bedroom at the moment. (paint)
- The new hospital near the old one next year. (build)
- Children to school every morning. (take)
- The car yet. (wash)
- The old man his leg, didn't he? (break)

۴۲ هر جمله را با معلومات گرامری خود کامل کنید.

- She knew that we were at home, ?
- I am not your classmate, ?
- You have two brothers and one sister, ?
- She's working hard these days, ?
- Mike's aunt speaks French when she is teaching, ?

۴۳ جمله‌های زیر را با یکی از کلمه‌های ربط (and, but, so, or) کامل کنید.

- We went to the library, we borrowed some books.
- My mom didn't feel well, she didn't go out.
- I am hungry, I can't eat pizza.
- You should study hard, you should quit school.
- We had a terrible accident, nobody was injured.

پاسخ

۴۱ broke - ۵. has not been washed - ۴. are taken - ۳. will be built / is going to be built - ۲. is being painted - ۱.

۴۲ doesn't she - ۱۰. isn't she - ۹. don't you - ۸. am I - ۷. didn't she - ۶.

۴۳ but - ۱۵. or - ۱۴. but - ۱۳. so - ۱۲. and - ۱۱.



[حد اکثر زمان مطالعه: ۹۰ دقیقه] - زمان شما:

مفاهیم آموزشی

Vocabulary

۴۰ واژگان و اصطلاحات جدید

بلدیوم بلدیوم

☐ a little while	مدت کوتاهی
☐ After a little while, he came back.	او بعد از مدت کوتاهی برگشت.
☐ accidentally (adv.)	به طور تصادفی
☐ She accidentally dropped the vase on her foot.	او به طور تصادفی گلدان را روی پایش انداخت.

☐ add (v.) ☐ Do you want to add your name to the list?	اضافه کردن آیا می‌خواهی نامت را به لیست اضافه کنی؟
☐ aloud (adv.) ☐ Would you read the poem aloud ?	با صدای بلند، بلند آیا ممکن است شعر را با صدای بلند بخوانی؟
☐ appreciation (n.) ☐ To show his appreciation of her kindness he sent her some flowers.	قدردانی، تقدیر برای نشان دادن قدردانی اش از مهربانی او، برایش چند گل فرستاد.
☐ author (n.) ☐ It's clear that the author is a woman.	نویسنده واضح است که نویسنده ، یک خانم است.
☐ be born ☐ I was born in a big city.	متولد شدن من در یک شهر بزرگ، متولد شدم.
☐ belonging (n.) ☐ This system gives people a sense of belonging .	تعلق این سیستم به افراد یک حس تعلق می‌دهد.
☐ blessing (n.) ☐ It's a blessing no one was badly hurt.	موهبت، برکت، نعمت موهبتی است که هیچکس بد صدمه ندید.
☐ boost (v.) ☐ The new area has boosted tourism.	افزایش دادن، بالا بردن، تقویت کردن منطقه جدید، گردشگری را افزایش داده است.
☐ bring up (phr. v.) ☐ He was brought up by his grandmother.	پرورش دادن، بزرگ کردن او توسط مادر بزرگش بزرگ شد.
☐ burst into tears (phr. v.) ☐ When he saw me, he burst into tears .	به گریه افتادن، زیر گریه زدن او وقتی من را دید به گریه افتاد .
☐ by heart ☐ We have to learn the poems by heart .	از حفظ، از بر ما باید شعرها را از حفظ یاد بگیریم.
☐ by the way ☐ By the way , have you seen my pen anywhere?	راستی راستی خودکار من را جایی ندیده‌ای؟
☐ calmly (adv.) ☐ "I'll call the doctor", he said calmly .	به آرامی، با خونسردی او به آرامی گفت، من با پزشک تماس می‌گیرم.
☐ care for (phr. v.) ☐ He thanked the nurses who had cared for him.	مراقبت کردن از او از پرستارانی که از او مراقبت کرده بودند، تشکر کرد.
☐ childhood (n.) ☐ I had a very happy childhood .	دوران کودکی من دوران کودکی شادی داشتم.
☐ close (adj.) ☐ My brother and I are very close .	نزدیک، صمیمی من و برادرم خیلی صمیمی هستیم.
☐ collocation (n.) ☐ "Heavy rain" is an English collocation .	(کلمه‌های) هم‌نشین «Heavy rain» یک هم‌نشین انگلیسی است.
☐ countless (adj.) ☐ The film was shown countless times.	بی‌شمار، زیاد آن فیلم به دفعات زیادی نمایش داده شد.
☐ dedicated (adj.) ☐ She is a dedicated teacher.	فداکار، متعهد او یک معلم متعهد است.
☐ diary (n.) ☐ Alex kept a diary during the war years.	دفتر خاطرات الکس در طی سال‌های جنگ دفتر خاطرات نوشت.
☐ diploma (n.) ☐ When did you receive your diploma ?	دیپلم، مدرک تو چه زمانی مدرک خودت را دریافت کردی؟



☐ discover (v.) ☐ The stolen car was discovered in a field.	کشف کردن اتومبیل مسروقه در یک دشت کشف شد.
☐ dishwasher (n.) ☐ The dishwasher is a wonderful invention.	ماشین ظرفشویی ماشین ظرفشویی یک اختراع شگفت‌انگیز است.
☐ distinguished (adj.) ☐ He is a distinguished professor.	برجسته، شاخص، متمایز او یک استاد دانشگاه برجسته است.
☐ each other (pron.) ☐ The girls looked at each other .	یکدیگر، همدیگر آن دخترها به یکدیگر نگاه کردند.
☐ either (det., pron.) ☐ You can choose either tea or coffee.	یا تو می‌توانی یا چای یا قهوه را انتخاب کنی.
☐ elderly (adj.) ☐ Do you know that well-dressed elderly woman?	سالمند، مُسن آیا تو آن خانم مُسن شیک‌پوش را می‌شناسی؟
☐ elders (n.) ☐ Did you attend the meeting of the village elders ?	بزرگترها، با تجربه‌ترها آیا شما در جلسهٔ بزرگترهای روستا حضور یافتید؟
☐ enjoyable (adj.) ☐ Games can make learning more enjoyable .	لذت‌بخش بازی‌ها می‌توانند یادگیری را لذت‌بخش کنند.
☐ ethics (n.) ☐ What do you know about business ethics ?	اخلاق، رفتار تو در مورد اخلاق کسب‌وکار چه می‌دانی؟
☐ feed (v.) ☐ Did you feed the cat?	غذا دادن به آیا به گربه‌ها غذا دادید؟
☐ forgive (v.) ☐ I've tried to forgive him for what he said.	بخشیدن، عفو کردن من سعی کرده‌ام او را برای آنچه که گفت، ببخشم.
☐ found (v.) ☐ This company was founded by him in 1990.	تأسیس کردن، بنا نهادن این شرکت در سال ۱۹۹۰ توسط او تأسیس شد.
☐ function (n.) ☐ What's the function of our heart?	عملکرد، وظیفه عملکرد قلب ما چیست؟
☐ generation (n.) ☐ Like most of my generation , I had never known a war.	نسل من مانند بیشتر (افراد) نسلم، هرگز جنگ را نداشته بودم.
☐ grandchild (n.) ☐ We have one grandchild.	نوه ما یک نوه داریم.
☐ guideline (n.) ☐ There is a new set of guidelines for teachers.	رهنمون، دستورالعمل مجموعهٔ جدیدی از دستورالعمل‌ها برای دبیران موجود است.
☐ hard of hearing (adj.) ☐ My grandfather is hard of hearing .	سنگین‌گوش، کم‌شنوا پدر بزرگ من سنگین‌گوش است.
☐ hate (v.) ☐ My mother hates pizza.	متنفر بودن مادر من از پیتزا متنفر است.
☐ heritage (n.) ☐ This building is part of our heritage .	میراث این ساختمان بخشی از میراث ما است.
☐ hug (v.) ☐ She went to her daughter and hugged her.	در آغوش گرفتن او به سمت دخترش رفت و او را در آغوش گرفت.
☐ including (prep.) ☐ There's twenty of us, including the teachers.	شامل بیست نفر از ما وجود دارند که شامل معلم‌ها (هم) می‌شود.
☐ inspiration (n.) ☐ My mother was a great inspiration to me.	الهام، الهام‌بخشی، منبع الهام مادرم منبع الهام بزرگی برای من بود.

☐ butter (n.) ☐ We ate bread and butter for breakfast.	کره ما برای صبحانه نان و کره خوردیم.
☐ cage (n.) ☐ Why do you keep these birds in the cage ?	قفص چرا این پرنده‌ها را در قفس نگه می‌دارید؟
☐ deserve (v.) ☐ I think we deserve a rest after all that hard work.	لایق بودن، لیاقت داشتن من فکر می‌کنم بعد از آن کار سخت لایق استراحت هستیم.
☐ duty (n.) ☐ We feel it is our duty to help her.	وظیفه، تکلیف احساس می‌کنیم وظیفه ما است که به او کمک کنیم.
☐ failure (n.) ☐ I always felt a bit of a failure at school.	شکست من همیشه در مدرسه کمی احساس شکست می‌کردم.
☐ fridge (n.) ☐ Please keep the butter in the fridge .	یخچال لطفاً کره را در یخچال نگه دارید.
☐ grateful (adj.) ☐ I'm so grateful for all your help.	قدردان، سپاسگزار من به خاطر تمام کمک شما سپاسگزار هستم.
☐ handle (v.) ☐ Leave it to me. I can handle it.	مدیریت کردن، اداره کردن آن را به من بسپار. می‌توانم آن را مدیریت کنم.
☐ honored (adj.) ☐ I feel honored to work with you.	مفتخر من از کار کردن با شما احساس افتخار می‌کنم.
☐ inform (v.) ☐ They finally decided to inform the police.	اطلاع دادن، مطلع کردن آنها سرانجام تصمیم گرفتند پلیس را مطلع کنند.
☐ lack (n.) ☐ There is lack of information on the subject.	عدم، فقدان در مورد موضوع فقدان اطلاعات وجود دارد.
☐ note (v.) ☐ Please note that the job must be done today.	توجه داشتن لطفاً توجه داشته باشید که کار باید امروز انجام شود.
☐ parrot (n.) ☐ Look! There's a beautiful parrot in the tree.	طوطی نگاه کن! یک طوطی زیبا روی درخت است.
☐ result (n.) ☐ Accidents are usually the result of driving fast.	نتیجه تصادف‌ها معمولاً نتیجه سریع رانندگی کردن هستند.
☐ robber (n.) ☐ A young man was shot by bank robbers today.	دزد، سارق امروز یک مرد جوان توسط دزدها هدف گلوله قرار گرفت.
☐ steal (n.) ☐ Did they steal anything valuable?	دزدیدن، سرقت کردن آیا آنها چیزی باارزشی را دزدیدند؟
☐ thus (adv.) ☐ I was late, thus I missed the train.	بنابراین من دیر کردم بنابراین به قطار نرسیدم.
☐ unconditionally (adv.) ☐ You should love your children unconditionally .	بدون قید و شرط شما باید فرزندانتان را بدون قید و شرط دوست بدارید.
☐ unreal (adj.) ☐ The daily contact with them was unreal .	غیرواقعی تماس روزانه با آنها غیرواقعی بود.
☐ within (prep.) ☐ He fell sick and died within a week.	در، در مدت او بیمار بود و در مدت یک هفته از دنیا رفت.



کلمه	مترادف	متضاد
aloud	loudly	---
author	writer	---
boost	develop; raise	decrease; lower
calmly	peacefully	---
care for	look after; defend; support	destroy; endanger; harm
close	warm	---
countless	many; lots of	few; limited
dedicated	committed	uncommitted
distinguished	brilliant; well-known	infamous; ordinary
donate	give away	keep
elder	older	younger
elderly	aged; old	young
enjoyable	amusing; pleasant; fun	bad; boring; hateful
ethics	beliefs	---
forgive	forget	---
found	begin; create; form	end; finish
function	action; work	inactivity
guideline	rule; instruction	---
hate	dislike	like; love
heritage	custom; tradition	---
homeland	motherland	---
improve	boost; develop; increase	decrease; lower; stop
loving	friendly; warm	cold; disliking
lower	decrease	increase; develop
ordinary	normal; general	unusual; uncommon
pause	stop; discontinue	continue
peaceful	quiet; calm	noisy; unfriendly; wild
physician	doctor; specialist	---
regretful	ashamed	---
reply	answer	---
score	mark; grade	---
solution	explanation; key	---
strength	power; energy	weakness
take care of	look after; defend	destroy; harm; hurt
terrible	unpleasant; dangerous	good; nice; beautiful
thousands of	many	few
willing	eager; pleased	disinterested

۴۰ هم‌نشین‌ها (Collocations)

هم‌نشین‌ها معمولاً دو کلمه هستند که با هم می‌آیند و در کنار هم دارای مفهوم می‌شوند و از نظر انگلیسی زبان‌ها درست هستند. به عبارت دیگر ما به عنوان کسانی که زبان انگلیسی، زبان مادریمان نیست نمی‌توانیم هر دو کلمه‌ای را در کنار هم قرار دهیم و یک عبارت معنی‌دار بسازیم حتی اگر از نظر معنایی درست به نظر برسند؛ زیرا این ترکیب برای انگلیسی زبان‌ها یک ترکیب رایج نیست. به عنوان مثال باید بگوییم «do homework» و نمی‌توانیم بگوییم «write homework».

fast food / quick meal

quick food / fast meal

یا مثلاً می‌گوییم:

اما نمی‌توانیم بگوییم:

مفاهیم کلیدی

۴۰

۴۰ واژگان هم‌نشین و عبارت‌های مهم

بل‌بوم بل‌نوم

واژگان هم‌نشین و عبارت‌های مهم

☐ brain function	عملکرد مغز
☐ burst into tears	(ناگهان) به گریه افتادن
☐ care for somebody	از کسی مراقبت کردن
☐ cure people / children	درمان کردن مردم / کودکان
☐ discover penicillin	کشف کردن پنی‌سیلین
☐ distinguished professor	استاد ممتاز دانشگاه
☐ elderly people	افراد سالمند
☐ family members	اعضای خانواده
☐ famous / dedicated physician	پزشک معروف / فداکار
☐ feed pigeons	غذا دادن به کبوترها
☐ forgive somebody	بخشیدن یک شخص
☐ future generations	نسل‌های آینده
☐ have enough time	وقت کافی داشتن
☐ heavy rain	باران شدید
☐ hug / kiss somebody	در آغوش گرفتن / بوسیدن یک شخص
☐ lower blood pressure	کاهش دادن فشار خون
☐ make mistakes	اشتباه کردن
☐ make pancakes / a medicine / an omelet	پنکیک / دارو / املت درست کردن
☐ quick meal	غذای سریع
☐ receive education / a diploma	کسب کردن تحصیلات / گرفتن دیپلم
☐ record your thoughts / feelings	ثبت کردن افکار / احساسات
☐ respect people / parents / others	احترام گذاشتن به افراد / والدین / دیگران
☐ spare no pains	از چیزی دریغ نکردن
☐ strong winds	بادهای شدید
☐ study / teach medicine	پزشکی خواندن / درس دادن
☐ take temperature	گرفتن (میزان) تب

۴۱ جمله‌های مجهول Passive Voice

جمله مجهول جمله‌ای است که معمولاً یا فاعل آن «نامشخص» است یا در آن «مفعول» یا «فعل انجام شده» به «فاعل» ارجحیت دارند. جمله‌هایی را می‌توان به صورت «مجهول» بیان کرد که دارای «مفعول» باشند به عبارت دیگر «فعل متعدی» داشته باشند.

● کاربرد جمله‌های مجهول

۱- «عمل انجام شده» مهم‌تر از «انجام دهنده عمل» یعنی «فاعل» است.

مثال در آن تصادف تعدادی از مردم مصدوم شدند.

Some people **were injured** in the accident.

۲- فاعل جمله، «ناشناخته و مجهول» است یا برای ما «مهم نیست».

مثال اتومبیل من دزدیده شد.

My car **was stolen**.

۳- بنا به شرایط، بیان جمله مجهول «مؤدبانه‌تر» است.

مثال اشتباهی رخ داد. (به جای اینکه بگوییم «شما اشتباه کردید.»)

A mistake **was made**.

● ساختار جمله‌های مجهول

در همه جمله‌های مجهول شکلی از فعل «to be» (یعنی am, is, are, was, were, be, been, being) به همراه «قسمت سوم فعل» یا همان «Past Participle» وجود دارد.

نکته اگر فعلی «باقاعده» باشد قسمت سوم آن «ed» می‌گیرد ولی اگر فعلی «بی‌قاعده» باشد باید شکل سوم آن را مانند یک کلمه جدید حفظ کرد. (لیست فعل‌های بی‌قاعده در انتهای کتاب درسی آمده است.)

به مثال‌های زیر دقت کنید:

زمان	جمله معلوم	جمله مجهول
حال ساده	We eat lunch at school. ما در مدرسه ناهار می‌خوریم.	Lunch is eaten at school. ناهار در مدرسه خورده می‌شود.
حال استمراری	We are eating lunch at school. ما در مدرسه در حال خوردن ناهار هستیم.	Lunch is being eaten at school. ناهار در مدرسه در حال خورده شدن است.
گذشته ساده	We ate lunch at school. ما در مدرسه ناهار خوردیم.	Lunch was eaten at school. ناهار در مدرسه خورده شد.
گذشته استمراری	We were eating lunch at school. ما در مدرسه در حال خوردن ناهار بودیم.	Lunch was being eaten at school. ناهار در مدرسه در حال خورده شدن بود.
ماضی نقلی	We have eaten lunch at school. ما در مدرسه ناهار خورده‌ایم.	Lunch has been eaten at school. ناهار در مدرسه خورده شده است.
ماضی بعید	We had eaten lunch at school. ما در مدرسه ناهار خورده بودیم.	Lunch had been eaten at school. ناهار در مدرسه خورده شده بود.
آینده (be going to)	We are going to eat lunch at school. ما قرار است در مدرسه ناهار بخوریم.	Lunch is going to be eaten at school. ناهار قرار است در مدرسه خورده شود.
جمله شامل یک فعل وجهی	We will/can/may/should/must eat lunch at school. ما می‌خواهیم/می‌توانیم/ممکن است/باید در مدرسه ناهار بخوریم.	Lunch will/can/may/should/must be eaten at school. ناهار می‌خواهد/می‌تواند/ممکن است/باید در مدرسه خورده شود.

پس برای ساختن جمله مجهول، فاعل جمله (در مثال‌های بالا We) را حذف می‌کنیم و مفعول (در مثال‌های بالا lunch) را به ابتدای جمله می‌آوریم. سپس بر اساس «زمان جمله» یک فعل «to be» را همراه «شکل قسمت سوم» فعل اصلی می‌نویسیم.

نکته اگر مفعول جمله معلوم به صورت ضمیر مفعولی باشد، باید در جمله مجهول آن را به ضمیر فاعلی تبدیل کنیم.

مثال آن مرد من را در کتابخانه دید.
The man saw **me** in the library.

جمله مجهول: I **was seen** in the library.

من در کتابخانه دیده شدم.

یکی از مشکلات حل سؤال‌های مربوط به جمله‌های مجهول، تشخیص این است که آیا جمله مجهول است یا خیر؟ برای رفع این مشکل به توضیحات زیر دقت کنید:

۱- معمولاً در انتهای جمله‌های مجهول یک عبارت به صورت «فاعل + by» وجود دارد.

The car was fixed by the mechanic.

۲- اگر عبارت «فاعل + by» در جمله وجود نداشت به این صورت عمل کنید: ببینید که آیا عبارت اول جمله (قبل از فعل) می‌تواند فعل را انجام دهد یا خیر. اگر بتواند فعل جمله را انجام دهد. معمولاً جمله، معلوم است و اگر نتواند فعل جمله را انجام دهد، جمله مجهول است.

This old house (built / was built) many years ago.

در جمله بالا عبارت This old house (این خانه قدیمی) نمی‌تواند فعل build (ساختن) را انجام دهد، پس جمله، مجهول است و پاسخ درست گزینه دوم (یعنی was built) است.

۳- گاهی اوقات عبارت قبل از فعل طوری است که هم می‌تواند فعل را انجام دهد (جمله معلوم) و هم ممکن است فعل بر روی آن انجام شده باشد (جمله مجهول). در این صورت باید ببینید بعد از فعل جمله، مفعول وجود دارد یا خیر. اگر مفعول وجود داشت جمله، معلوم است و اگر وجود نداشت آن جمله، مجهول است. به دو مثال زیر دقت کنید:

1. The boy (took/was taken) to school last week.

مثال ۱-۱ آن پسر هفته گذشته به مدرسه برده شد. (مجهول)

2. The boy (took/was taken) his brother to school last week.

۱-۲ آن پسر هفته گذشته برادرش را به مدرسه برد. (معلوم)

در هر دو جمله بالا فعل take به معنی «بردن» است. فعل take یک فعل متعدی است و به «مفعول» نیاز دارد. در جمله ۱ بعد از فعل، «مفعول» وجود ندارد، پس جمله مجهول است و در اصل فعل بر روی عبارت The boy (آن پسر) انجام شده است. اما در جمله ۲ بعد از فعل جمله، عبارت his brother (برادرش) مفعول جمله است و در اصل عبارت The boy (آن پسر) انجام دهنده کار و فاعل جمله است. در نتیجه جمله ۲ یک جمله معلوم است.

۴۲ سؤال‌های کوتاه Tag Questions

سؤال‌های کوتاه (Tag Questions) سؤال‌هایی دو کلمه‌ای هستند که معمولاً در مکالمه‌های شفاهی در انتهای یک جمله خبری می‌آیند و در اصل شخص گوینده با این جمله می‌خواهد تأیید طرف مقابل را بگیرد.

● ساخت سؤال‌های کوتاه Tag Questions

برای ساختن سؤال‌های کوتاه چند قانون ساده وجود دارد:

۱) اگر جمله اصلی مثبت باشد، Tag Question منفی است و بالعکس.

مثال ۱-۱ او در مدرسه است، اینطور نیست؟

She is at school, isn't she?

They shouldn't go there, should they?

آنها نباید به آنجا بروند، اینطور نیست؟

۲) فاعل Tag Question همیشه باید به صورت «ضمیر فاعلی» باشد.

Tom wants to study medicine, doesn't he?

مثال ۱-۲ تام می‌خواهد پزشکی بخواند، اینطور نیست؟

The children haven't come home yet, have they?

بچه‌ها هنوز به خانه نیامده‌اند، اینطور نیست؟

۳) اگر Tag Question منفی باشد، حتماً باید به صورت مخفف بیان شود.

Your mom was angry, wasn't she?

مثال ۱-۳ مامان تو عصبانی بود، اینطور نیست؟

English is spoken in Canada, isn't it?

در کانادا انگلیسی صحبت می‌شود، اینطور نیست؟

نکته ۱-۱ در جمله‌های مرکب Tag Question را بر اساس فاعل و فعل جمله پایه (جمله اصلی) می‌نویسیم و فاعل و فعل جمله پیرو (وابسته) مدنظر نیست. باید بدانید که جمله پایه، جمله‌ای است که دارای کلمه‌های ربط مانند when, while, if, so, because, that, which, who, whom و ... نیست.

They know that she will come, don't they?

مثال ۱-۲ آنها می‌دانند که او خواهد آمد، اینطور نیست؟

جمله پایه جمله پیرو

The woman whom you talked to will call us, won't she?

خانمی که با او صحبت کردی با ما تماس خواهد گرفت، اینطور نیست؟

جمله پایه جمله پیرو جمله پایه

If you saw your sister, you would talk to her, wouldn't you?

اگر خواهرت را می‌دیدی با او صحبت می‌کردی، اینطور نیست؟

جمله پایه جمله پیرو

۴۳ ساختن سؤال (Question Generation)

ساختن سؤال یکی از روش‌های درک مطلب است که از طریق آن می‌توان در مورد نکته‌های مهم و ایده‌های اصلی متن، سؤال‌های معنی‌دار پرسید و به آنها پاسخ داد. برای ساختن سؤال مراحل زیر را انجام دهید:

- (۱) متن را بخوانید. (۲) نکته‌های مهم و ایده‌های اصلی را پیدا کنید. (۳) برای هر نکته یا ایده یک سؤال بسازید. (۴) به سؤال‌ها پاسخ دهید. کلمه‌های پرسشی که می‌توان با استفاده از آنها سؤال ساخت به ترتیب زیر هستند:

کلمه پرسشی	مورد سؤال
چه کسی (Who)	یک شخص (معمولاً فاعل یا مفعول جمله)
چه چیزی (What)	یک شیء (معمولاً فاعل یا مفعول جمله)
کجا (Where)	یک مکان (قید مکان جمله)
چه موقع / چه ساعتی (When)	یک زمان (قید زمان جمله)
چرا (Why)	یک دلیل (دلیل انجام کار)
چه طور (How)	چگونگی انجام کار (قید حالت / وسیله نقلیه)

نکته معمولاً برای ساختن سؤال توسط کلمه‌های پرسشی سه مرحله زیر را انجام می‌دهیم:

- (۱) کلمه پرسشی را می‌نویسیم.
 (۲) با توجه به معنی کلمه پرسشی، یک کلمه یا یک عبارت را که در اصل پاسخ آن کلمه پرسشی است، حذف می‌کنیم.
 (۳) باقیمانده جمله را سؤالی می‌کنیم. (برای این کار اگر در جمله فعل to be یعنی «am/is/are/was/were» یا یکی از فعل‌های وجهی یعنی «can/may/should/must» وجود داشت آن را به اول جمله می‌آوریم؛ در غیر این صورت با توجه به زمان و فاعل جمله، به اول جمله «do/does/did» اضافه می‌کنیم.)

حالا با توجه به توضیحات ارائه شده، می‌خواهیم با استفاده از کلمه‌های پرسشی داده شده سؤال مناسب بسازیم:

We can visit the man around 10:00. (When)

مثال ما می‌توانیم آن مرد را حدود ساعت ۱۰ ملاقات کنیم. (چه موقع)

When ?

(۱) ابتدا کلمه پرسشی را می‌نویسیم:

(۲) با توجه به معنی کلمه پرسشی (در اینجا «چه موقع») عبارت «around 10:00» (حدود ساعت ۱۰) را حذف می‌کنیم:

We can visit the man around 10:00.

(۳) چون در جمله فعل وجهی «can» وجود دارد، آن را به اول جمله می‌آوریم و کل جمله را به «When» اضافه می‌کنیم:

When can we visit the man?

ما چه موقع می‌توانیم آن مرد را ملاقات کنیم؟

..... Writing

۴۴ جمله‌های مرکب

قبلاً بیان شد که یک جمله انگلیسی باید حداقل دارای یک فاعل و یک فعل باشد. این‌گونه جمله‌ها را «جمله‌های ساده» (Simple sentence) می‌نامیم. حال اگر دو جمله ساده که هر کدام حداقل دارای یک فاعل و یک فعل باشند را با کلمه‌های ربط (Conjunction) مانند «and» (و)، «but» (اما)، «or» (یا) و «so» (بنابراین) به هم مرتبط کنیم، یک جمله مرکب (Compound sentence) تشکیل می‌شود.

● کاربرد انواع کلمات ربط

(۱) کلمه ربط «and»: این کلمه ربط فعالیت‌ها یا احساسات هم‌جهت را به هم مرتبط می‌کند.

I get up early in the morning.

مثال من صبح زود بیدار می‌شوم.

I make an omelet myself.

من خودم املت درست می‌کنم.

I get up early in the morning, and I make an omelet myself.

من صبح زود بیدار می‌شوم و خودم املت درست می‌کنم.

(۲) کلمه ربط «but»: این کلمه ربط هنگامی استفاده می‌شود که بخواهیم اطلاعاتی را در تضاد با اطلاعات قبلی یا تفاوت را بیان کنیم.

The book was boring.

مثال آن کتاب کسل‌کننده بود.

Tom had to read the book.

تام مجبور بود آن کتاب را بخواند.

The book was boring, but Tom had to read it.

آن کتاب کسل‌کننده بود اما تام مجبور بود آن را بخواند.

۳) کلمه ربط «or»: این کلمه ربط معمولاً «انتخاب» بین دو چیز را بیان می‌کند.

مثال ~~~~~ تو باید تکلیف را انجام دهی.

You should do your homework.

You should wash the dishes.

تو باید ظرف‌ها را بشویی.

You should do your homework, **or** you should wash the dishes.

تو باید تکلیف را انجام دهی **یا** تو باید ظرف‌ها را بشویی.

۴) کلمه ربط «so»: از این کلمه هنگامی استفاده می‌شود که جمله دوم «نتیجه» جمله اول باشد.

Saeed studied hard for the exam.

مثال ~~~~~ سعید برای امتحان سخت درس خواند.

Saeed passed the exam.

سعید در امتحان قبول شد.

Saeed studied hard for the exam, **so** he passed it.

سعید برای امتحان سخت درس خواند **بنابراین** او در آن قبول شد.

نکته ~~~~~ ۱) قبل از and, or, but, so از کاما (,) استفاده می‌شود.

۲) می‌توان به جای اسمی که در دو جمله تکرار می‌شود، ضمیر مناسب قرار داد.

مفاهیم کلیدی

۴۴

تمرین‌های امتحانی

.....Listening.....

۱) به فایل صوتی متن زیر با دقت گوش کنید و سپس جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

What is respect? It's a feeling you have about someone. Respecting someone means you won't (1) them. You know

their (2) are important. You try very hard not to hurt their feelings. Respect makes our lives easier and happier.

You can show respect by (3), being kind, and being polite. A good way to show respect to people is to follow

"The Golden Rule". The Golden Rule is to treat the way you would want to be treated. It's (4)! All people deserve

respect, no (5) what they look like, act like, speak like, or believe in.

Most children learn by (6) their parents respect them. People who show respect to others are usually very

..... (7) in life. People who do not show respect to others usually have a very (8) time.

.....Vocabulary.....

۲) با توجه به تصاویر داده شده، جملات زیر را بخوانید و جمله مناسب برای هر تصویر را انتخاب کنید. (یک جمله اضافی است.)



a) My grandfather went to his son and hugged him. ()

b) Hamid sits on the sofa and watches TV all the time. ()

[نهایی - دی ۹۹]

c) My grandfather feeds the pigeons in the park every morning. ()

d) I don't feel well and he is taking my temperature. ()

e) My uncle is known as a distinguished university professor. ()

[نهایی - خرداد ۱۴۰۱]

۳) جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

(repeatedly - pity - dedicated - born - boost - close)

14. He wasn't strong enough to his own confidence.

15. A: Mrs. Ahmadi is very friendly and helpful.

B: I know! She is known as a teacher, too.

[نهایی - دی ۹۹]

16. I have told Mohsen to talk politely to his teacher.

[نهایی - شهریور ۹۹]

17. They were filled with joy when their first child was

18. My best friend and her father are very



۴ برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است.)

(A)

19. My grandfather **founded** the company 20 years ago. ()
20. If anything happened to the kids, I'd never **forgive** myself. ()
21. She wanted her personal **diary** to be published. ()
22. Mr. Smith became my grandfather's personal **physician**. ()

[نهایی - شهریور ۹۹]

مفاهیم کلیدی

(B)

- a) to have a good opinion of someone or something
- b) a doctor, especially one who is a specialist in general medicine
- c) to stop being angry with someone
- d) a book in which you record your thoughts or feelings
- e) to start something, such as an organization or an institution

۵ جمله‌های زیر را با کلمات مناسب کامل کنید. (با توجه به تعداد خط چین، حروف کلمات مورد نظر را کامل کنید.)

23. When my little brother fell down, he b _ _ _ _ into tears.
24. Dr. Gharib spared no p _ _ _ _ to cure sick children.
25. When and where did you r _ _ _ _ _ your high school diploma?
26. They have to speak louder, because their grandmother is hard of h _ _ _ _ _ .
27. The first Persian t _ _ _ _ _ on children's diseases was written by Dr. Gharib.
28. Hafez is mostly remembered for a special type of p _ _ _ _ _ that is called Ghazal.
29. Is it your r _ _ _ _ _ _ _ _ _ _ to take care of your little brother when your mom is not at home?

[نهایی - شهریور ۹۹]

۶ پاسخ صحیح را از بین گزینه‌های داده شده انتخاب کنید.

30. It takes time to get your full back after you have been ill.
a) teenager b) function c) pause d) strength
31. In fact, in my new job I will perform a variety of
a) poets b) inventions c) functions d) belongings
32. For some reasons, I had to live away from my for many years.
a) temperature b) hearing c) homeland d) respect
33. What would you do if your little girl into tears?
a) boosted b) burst c) brought d) broke
34. If anything happened to the kids, I'd never myself.
a) forgive b) improve c) shout d) hug
35. They need the information which will help to the child.
a) care for b) put out c) pack for d) shout at
36. They stole everything in my bedroom, my laptop.
a) between b) toward c) among d) including
37. The number of students entering higher has increased.
a) inspiration b) guideline c) education d) accident
38. Looking at these paintings makes people proud of their national
a) heritage b) experiment c) mistake d) strength
39. By asking this question you will what the man is thinking about.
a) pause b) develop c) discover d) spare

..... Grammar

۷ پاسخ صحیح را از بین گزینه‌های داده شده انتخاب کنید.

40. Some milk by little kids every day.
a) is drinking b) has drunk c) are drunk d) is drunk
41. The present to Julie by her friends recently.
a) gave b) have been given c) has given d) has been given
42. When I arrived home, lunch
a) is eaten b) was being eaten c) has eaten d) was eating
43. Why your names written on the books?
a) don't b) isn't c) weren't d) didn't
44. When I was talking on the phone, the room carefully.
a) was being cleaned b) has cleaned c) is cleaned d) was cleaning
45. How many bags of rice do you think every day?
a) is bought b) buy c) are bought d) have bought
46. How were school children to the park last week?
a) took b) take c) taken d) takes
47. The mice the cheese when I opened the kitchen door.
a) was eaten b) were eaten c) was eating d) were eating

۸ پاسخ صحیح را از بین گزینه‌های داده شده انتخاب کنید.

48. The flight from London arrives at seven o'clock,?
a) does it b) doesn't it c) do they d) don't they
49. Mr. Harrison nothing about what you need, does he?
a) promises b) promise c) has promised d) is promising
50. Your sister has passed the exam,?
a) didn't she b) hasn't she c) didn't you d) has she
51. They will buy a new house,?
a) won't be b) won't they c) will they d) will be
52. When we left the house, he was watching TV,?
a) didn't we b) was he c) did we d) wasn't he
53. If they weren't busy, they would help you,?
a) were they b) didn't they c) wouldn't they d) would they
54. They said that he was driving a red car,?
a) wasn't he b) didn't they c) weren't they d) didn't he
55. When I opened the door, you weren't sleeping,?
a) didn't b) did I c) were you d) weren't you

۹ شکل صحیح فعل داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

56. They Spanish to foreign students at school last year. (not teach)
57. The injured to hospital by the firemen right now. (take)
58. This house by John Mathews in 1991. (build)
59. The new message to all the students recently. (send)
60. I think Mina a new mobile phone, hasn't she? (buy)
61. Persian in Iran, Tajikistan and Afghanistan. (speak)
62. She the pigeons every morning, doesn't she? (feed)
63. Joe's mother a new car, will she? (buy)

مفاهیم کلیدی

[نهایی - دی ۹۹]

[نهایی - شهریور ۹۹]

[نهایی - دی ۹۸]

[نهایی - دی ۹۹]

[نهایی - خرداد ۱۴۰۱]

[نهایی - خرداد ۱۴۰۰]



۱۰ شکل صحیح فعل داخل پراتر را در جاهای خالی بنویسید.

64. The boys read that storybook a few days ago, they? (do)
65. Those girls' mother's never gone on a trip, she? (have)
66. My mother me for breaking the vase, didn't she? (forgive)
67. Last night, my father home very late, didn't he? (come)

[نهایی - شهریور ۹۸]

۱۱ جمله‌های زیر را با استفاده از Tag Question مناسب کامل کنید.

68. There are no books on the desk, ?
69. Mr. and Mrs. Harrison had four children, ?
70. Omid's sister has a new Iranian car, ?
71. Your younger sister has already gone shopping, ?
72. The door of the car was not open, ?
73. When you arrived, they weren't studying, ?
74. I am not going to talk to him, ?

۱۲ شکل مجهول جمله‌های زیر را بنویسید.

75. The man sold one of the old cars.
76. My mother is cooking a delicious meal now.
77. The scientists have finished the project recently.
78. Mr. Parker didn't paint the room very carefully.
79. Do those dedicated doctors cure many patients every year?

۱۳ با هر گروه از کلمات زیر یک جمله بنویسید.

80. countless / those famous books / been / into / have / languages / translated / ?

81. sick / no / to cure / spared / people / Dr. Gharib / pains / and / poor / .

82. employed / during / a lot of / the last five years / have been / workers / .

[نهایی - خرداد ۹۸]

83. solved / by her / the problems / the classroom / were / in / .

[تهران - مدرسه شاهد کوثر - دی ۹۹]

۱۴ با هرگونه از کلمات زیر یک جمله بنویسید.

84. wrote / didn't / a letter / the girl / she / , / ?
85. is / reading / father / he / the newspaper / , isn't / my / ?
86. old / has / the / woven / she / hasn't / a / , / silk / carpet / woman / ?

[نهایی - شهریور ۹۹]

..... Cloze Test

۱۵ متن زیر را بخوانید و جاهای خالی را با انتخاب گزینه مناسب کامل کنید.

Respect means that you accept somebody for who they are, even when they are different from you or you (87) with them. It is very important for us to (88) our elders. It is also important to note that elders were not born elders; they were kids like us and now have (89) old. A few years hence, we will also grow older. If today we respect them, our present and future (90) will carry those values and will learn (91) us as well when we grow old.

- | | | | |
|-----------------------|-----------------|-------------------------|---------------|
| 87. a) are not agreed | b) do not agree | c) have not been agreed | d) not agree |
| 88. a) boost | b) lower | c) respect | d) pause |
| 89. a) grown | b) cared | c) needed | d) received |
| 90. a) thoughts | b) generations | c) diplomas | d) functions |
| 91. a) respect | b) respecting | c) respects | d) to respect |

.....Reading.....

۱۶ متن زیر را بخوانید و به سؤال‌های داده شده هر قسمت پاسخ دهید.

It is very important for us to respect our elders. It is also important to note that elders were not born elders; they were kids like us and now have grown old. A few years hence, we will also grow older. If today we respect them, our present and future generations will carry those values and will learn to respect us as well when we grow old.

Elders have a lot to share with us: their life experiences, their failures, their successes and many more. Thus we need to care for them because they deserve to be cared for. Respect and care for elders start with our parents as they are our real first teachers in our life.

True / False

92. We should respect people only when we grow old.

True ☐ False ☐

93. Parents share their experiences with their children.

True ☐ False ☐

Choose the best answer.

94. What does the underlined word "them" in paragraph 1 refer to?

a) kids

b) years

c) elders

d) generations

95. Why should we start respect and care for elders with our parents?

۱۷ متن زیر را بخوانید و به سؤال‌های داده شده پاسخ دهید.

Respect is not only for people, you also need to respect nature. You should learn to respect nature and also teach it to your next generation. There are some good ways to improve the sense of respect for nature among society.

When you are outside with your children, take the time to show them the beauty of nature. Show them the blueness of the sky on a clear, bright day, or grey sky on a cloudy day. Ask your child to touch trees, rocks and leaves to feel the temperatures. You can also teach your kids the names of different plants, trees, and animals and practice identifying them. You can do these and show the beauty of nature in your yard or in your favorite park. You may buy a plant for each child that they can take care of inside or outside of the house. You should remind your children that all living creatures are parts of our world and are valuable in the natural environment.

[نهایی - شهریور ۱۴۰۰]

True / False

96. According to the passage, people should only respect other people.

True ☐ False ☐

97. Our next generations need to know about nature and its value.

True ☐ False ☐

Answer the following questions.

98. Where can you show your children the beauty of nature?

.....

99. What should you remind your kids?

.....

.....Writing.....

۱۸ هر یک از جملات زیر را با انتخاب یک کلمه ربط «and, so, but, or» کامل کنید.

100. You can stay at home, you can go shopping with us.

101. The man was fat, he couldn't run very fast.

102. I went to bed early, read a very interesting story.

103. We called him before lunch, he didn't answer the phone.

104. Sara doesn't like fast food, she doesn't eat any cheese burgers.

105. We can take a taxi, we can travel by train.

106. His mother went to the room, she came back with an old diary.

107. My cousin has a lot of books, he never reads them.

[نهایی - خرداد ۱۴۰۰]

[نهایی - خرداد ۱۴۰۰]

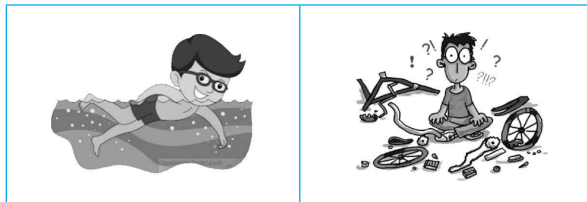
[نهایی - خرداد ۱۴۰۰]

[نهایی - خرداد ۱۴۰۰]

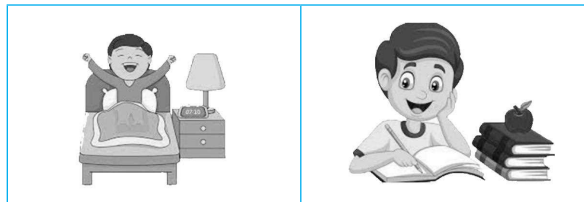
مفاهیم کلیدی



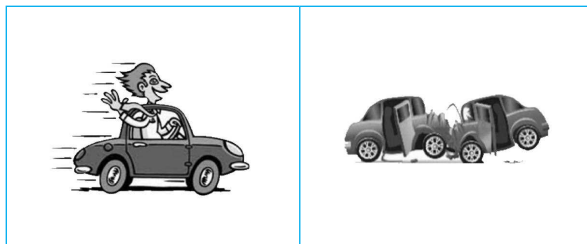
جمله‌های زیر را با استفاده از تصاویر و یکی از کلمه‌های ربط (and, or, but, so) کامل کنید و یک جمله مرکب معنادار بنویسید. ۱۹



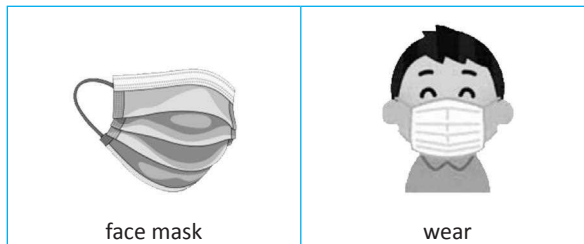
108. I can swim very well,



109. I woke up early,



110. The young man drove too fast,



face mask

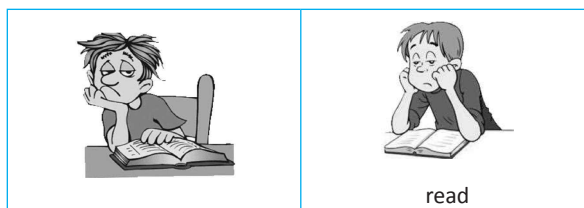
wear

111. The boy bought



make an omelet

112. I get up early in the morning,



read

113. The book was boring,

جمله‌های زیر را با کلمات مناسب کامل کنید. (با توجه به تعداد خط چین حروف کلمات مورد نظر را کامل کنید). ۲۰

114. It's important for everybody to have a sense of b _ long _ ng.

115. When starting a new business, try to follow these general g _ idelin _ s.

116. No one wants to take resp _ nsib _ lity for the problem.

117. We had a p _ _ ceful afternoon without the children.

118. It is said that helping others low _ rs blood pres _ _ re.

119. Dr. Gharib was a famous p _ _ sician.

120. My grandfather was known as a disting _ _ shed university profess _ r.

سؤالات ویژه امتحان برای کنکور

جمله‌های معلوم زیر را به جمله‌های مجهول تبدیل کنید. ۲۱

121. The young man gave some books to the students.

122. Are you going to paint the bedroom red?

جمله‌های زیر را با دانش گرامری خود کامل کنید. ۲۲

123. She's read many storybooks,?

124. If you want to buy the house, you have to sell your car,?

125. He believes that Dr. Smith will help because he's a dedicated doctor,?

126. He cut the cake and put it on the table,?

پاسخ درست را انتخاب کنید. ۲۳

127. You're not going with us on a road trip to Hamedan to visit our mom,?

[نهایی - فارغ‌التحصیلی ۱۴۰۰]

1) isn't she

2) are you

3) are we

4) aren't you

128. His plan was to buy pieces of chocolate them to his classmates for two cents a piece.

[هنر - ۱۴۰۰]

1) who resold

2) and resell

3) but resold

4) by reselling

129. Lisa would never love him again after hearing all the wrong he had done to her,?

[هنر - ۱۴۰۰]

1) had he

2) would she

3) hadn't he

4) wouldn't she

130. The first rugs by hand, and the finest ones are still handmade. [تجربی - ۱۳۰۰]
- 1) made 2) were made 3) had made 4) have made
131. The eastern bluebird is attractive bird native to this continent by many bird-watchers. [انسانی - ۱۳۰۰]
- 1) considered more 2) considering more 3) considered the most 4) considering the most
132. After breaking his leg in the skiing accident, to cut short his vacation and go back home. [ریاضی - ۹۸]
- 1) forced 2) he forced 3) that forced 4) he was forced
133. Jane believes that her team members easily won the game because they are familiar with teamwork,? [انسانی - ۹۸]
- 1) aren't they 2) didn't they 3) didn't she 4) doesn't she
134. There is no clear evidence stating where and when football, but most historians agree that some type of ball game had been played centuries before the modern game developed in England. [انسانی - ۹۹]
- 1) invented 2) was invented 3) was inventing 4) would be invented

۲۳ متن زیر را بخوانید و پاسخ درست را انتخاب کنید.

Most people know that Alexander Graham Bell invented the telephone. But not many know about another talking device he invented just four years later, in 1880. He called the device the photophone. 'Photophone' comes from the Greek words for 'light' and 'sound'. The photophone used a beam of sunlight traveling through the air. With his invention, Bell could actually transmit human speech on a beam of light instead of electricity. To do so, he spoke close to a thin mirror that was reflecting sunlight. The vibrations of his voice caused the mirror to vibrate, and the vibrating mirror caused the light to vibrate. The vibrating light hit a light-sensitive cell in a receiver placed some distance away. The cell changed the light patterns into electrical signals. Earphones changed the signals back into sounds.

Bell believed that his idea of talking on a beam of light would prove to be important. He often called the photophone his greatest invention. Even though the photophone depended on a source of energy that was not constant -the sun- Bell wasn't a bit discouraged. He felt sure that people would one day talk using beams of light. Two much more recent developments made Bell's dream come true. In 1960, a scientist built the laser. A laser produces a highly concentrated beam of light. Shortly afterward, other scientists developed a new kind of optical fiber. The apical fiber is a glass thread. The new fiber could carry light beams over long distances.

[تجربی - ۱۳۰۰]

135. What does paragraph 1 mainly discuss?
- 1) What inventions Graham Bell has 2) Who Graham Bell was and what he did
- 3) How the photophone transmitted speech 4) How Graham Bell came up with the idea of the photophone
136. What can be inferred from paragraph 1 about telephone?
- 1) People only used it for four years. 2) It used electricity to transmit speech.
- 3) It was invented after the photophone. 4) It carried human speech through the air.
137. According to paragraph 2, a problem of the photophone was that
- 1) a beam of light could not get through walls 2) its source of energy was not stable
- 3) Bell thought too highly of it 4) it did not use beams
138. Which of the following is NOT mentioned in the passage?
- 1) The origin of the word photophone 2) The role of a mirror in the photophone
- 3) How the laser is used in the photophone 4) What inventions made Bell's dream come true

۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	سؤال تمرین
۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	کدمفاهیم کلیدی

۶۰	۵۹	۵۸	۵۷	۵۶	۵۵	۵۴	۵۳	۵۲	۵۱	۵۰	۴۹	۴۸	۴۷	۴۶	۴۵	۴۴	۴۳	۴۲	۴۱	۴۰	۳۹	۳۸	۳۷	۳۶	۳۵	۳۴	۳۳	۳۲	۳۱	سؤال تمرین
۴۲	۴۲	۴۲	۴۱	۴۱	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	کدمفاهیم کلیدی

۹۰	۸۹	۸۸	۸۷	۸۶	۸۵	۸۴	۸۳	۸۲	۸۱	۸۰	۷۹	۷۸	۷۷	۷۶	۷۵	۷۴	۷۳	۷۲	۷۱	۷۰	۶۹	۶۸	۶۷	۶۶	۶۵	۶۴	۶۳	۶۲	۶۱	سؤال تمرین
۴۰	۴۰	۴۰	۴۱	۴۲	۴۲	۴۲	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۱	۴۱	کدمفاهیم کلیدی

۱۲۰	۱۱۹	۱۱۸	۱۱۷	۱۱۶	۱۱۵	۱۱۴	۱۱۳	۱۱۲	۱۱۱	۱۱۰	۱۰۹	۱۰۸	۱۰۷	۱۰۶	۱۰۵	۱۰۴	۱۰۳	۱۰۲	۱۰۱	۱۰۰	۹۹	۹۸	۹۷	۹۶	۹۵	۹۴	۹۳	۹۲	۹۱	سؤال تمرین
۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۱	کدمفاهیم کلیدی

۱۳۸	۱۳۷	۱۳۶	۱۳۵	۱۳۴	۱۳۳	۱۳۲	۱۳۱	۱۳۰	۱۲۹	۱۲۸	۱۲۷	۱۲۶	۱۲۵	۱۲۴	۱۲۳	۱۲۲	۱۲۱	سؤال تمرین
۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۱	۴۲	۴۱	۴۱	۴۱	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۱	۴۱	کدمفاهیم کلیدی

یاسخنامه

۳۱ [۴۰] گزینه «C» در حقیقت، در شغل جدید من وظایف متنوعی را انجام می‌دهم.

(a) شعرها (b) اختراعات
(c) وظایف، عملکردها (d) متعلقات، دارایی‌ها

۳۲ [۴۰] گزینه «C» من به دلایلی مجبور بودم برای سال‌ها دور از وطنم زندگی کنم.

(a) دما، تب (b) شنوایی (c) وطن، سرزمین (d) احترام

۳۳ [۴۰] گزینه «b» شما چه کار می‌کردید اگر دختر کوچکتان زیر گریه می‌زد؟

(a) افزایش دادن، تقویت کردن (b) منفجر شدن، ترکیدن
(c) آوردن (d) شکستن

توضیح عبارت burst into tears به معنی «زیر گریه زدن، ناگهان گریه کردن» است.

۳۴ [۴۰] گزینه «a» اگر برای بچه‌ها اتفاقی می‌افتاد من هرگز خودم را نمی‌بخشیدم.

(a) بخشیدن (b) بهبود یافتن (c) فریاد زدن (d) در آغوش گرفتن

۳۵ [۴۰] گزینه «a» آنها به اطلاعاتی نیاز دارند که کمک کند از آن کودک

مراقبت کنند.

(a) مراقبت کردن (b) خاموش کردن (آتش)

(c) بستن وسایل (سفر) (d) فریاد زدن بر (سر)

۳۶ [۴۰] گزینه «d» آنها همه چیز شامل لپ‌تاپم را از اتاق خوابم دزدیدند.

(a) بین (b) به سمت (c) در بین، میان (d) شامل

۳۷ [۴۰] گزینه «C» تعداد دانش‌آموزانی که وارد تحصیلات عالی می‌شوند

افزایش یافته است.

(a) الهام (b) دستورالعمل

(c) تحصیلات، آموزش (d) حادثه، تصادف

۳۸ [۴۰] گزینه «a» نگاه کردن به این نقاشی‌ها باعث غرور افراد به میراث

ملی‌شان می‌شود.

(a) میراث (b) آزمایش (c) اشتباهات (d) توان، قدرت

۳۹ [۴۰] گزینه «C» با پرسیدن این سؤال متوجه خواهید شد که آن مرد در

مورد چه چیزی فکر می‌کند.

(a) مکث کردن (b) توسعه یافتن

(c) متوجه شدن، کشف کردن (d) دریغ داشتن

۴۰ [۴۱] گزینه «d» هر روز مقداری شیر توسط بچه‌ها نوشیده می‌شود.

توضیح عبارت by little kinds نشان می‌دهد این جمله مجهول است. در

ضمن عبارت every day قید زمان حال به حساب می‌آید و عبارت Some milk

مفرد است، پس گزینه «d» را انتخاب می‌کنیم.

۴۱ [۴۱] گزینه «d» آن هدیه اخیراً توسط دوستان به جولی داده شده است.

توضیح عبارت by her friends نشان می‌دهد این جمله مجهول است.

در ضمن کلمه recently علامت زمان «ماضی نقلی» است، در نتیجه یکی از

گزینه‌های «b» یا «d» درست هستند. گزینه «b» نادرست است، زیرا عبارت The

present مفرد است و نمی‌توان بعد از آن از have استفاده کرد.

۴۲ [۴۱] گزینه «b» وقتی من به خانه رسیدم ناهار در حال خورده شدن بود.

توضیح این جمله، مجهول است، پس فعل آن باید شامل شکلی از to be به

همراه قسمت سوم فعل اصلی باشد، در نتیجه یکی از گزینه‌های «a» یا «b»

درست هستند. قبلاً آموختید اگر دو جمله یا کلمه ربط when / while به هم

مرتبط شوند و یکی از آنها به زمان گذشته ساده بیان شود، جمله دیگر به زمان

«گذشته استمراری» بیان می‌شود، پس گزینه «b» درست است.

1 [۴۵] hurt

2 [۴۵] feelings

3 [۴۵] sharing

4 [۴۵] simple

5 [۴۵] matter

6 [۴۵] watching

7 [۴۵] successful

8 [۴۵] hard

9 [۴۰] (d) حال من خوب نیست و او در حال اندازه‌گیری کردن تب من است.

۱۰ [۴۰] (b) حمید روی کاناپه می‌نشیند و تمام وقت تلویزیون تماشا می‌کند.

۱۱ [۴۰] (e) عمومی من به عنوان یک استاد دانشگاه ممتاز شناخته شده است.

۱۲ [۴۰] (c) پدر بزرگ من هر روز صبح در پارک به کبوترها غذا می‌دهد.

۱۳ [۴۰] (a) پدر بزرگ من به سمت پسرش رفت و او را در آغوش گرفت.

۱۴ [۴۰] boost او به اندازه کافی قوی نبود تا اعتماد به نفسش را تقویت کند.

۱۵ [۴۰] dedicated «خانم احمدی خیلی صمیمی و یاری‌رسان است.»

«می‌دانم! او همچنین یک معلم متعهد است.»

۱۶ [۴۰] repeatedly من به طور مکرر به محسن گفته‌ام تا با معلم‌هایش

مؤدبانه صحبت کند.

۱۷ [۴۰] born آنها پراز شادی شدند وقتی فرزند اولشان به دنیا آمد.

۱۸ [۴۰] close بهترین دوست من و پدرش خیلی صمیمی هستند.

۱۹ [۴۰] (e) پدر بزرگ من ۲۰ سال پیش آن شرکت را تأسیس کرد. = شروع

کردن چیزی مانند یک سازمان یا یک مؤسسه

۲۰ [۴۰] (c) اگر اتفاقی برای بچه‌های می‌افتاد من هرگز خودم را نمی‌بخشیدم.

= متوقف کردن عصبانیت از دست یک شخص

۲۱ [۴۰] (d) او می‌خواست دفتر خاطرات شخصی‌اش چاپ شود. = کتابی که

در آن افکار و احساسات را ثبت می‌کنید.

۲۲ [۴۰] (b) آقای اسمیت پزشک شخصی پدر بزرگ من شد. = پزشک، به ویژه

کسی که در پزشکی عمومی متخصص است.

۲۳ [۴۰] burst وقتی برادر کوچکم به زمین خورد، ناگهان به گریه افتاد.

(عبارت burst into tears به معنی «ناگهان زیر گریه زدن» را به خاطر بسپارید.)

۲۴ [۴۰] pains دکتر قریب برای درمان کودکان بیمار از هیچ کاری دریغ نکرد.

(عبارت spare no pains به معنی «از کاری دریغ نکردن» را به خاطر بسپارید.)

۲۵ [۴۰] receive چه موقع و کجا دیپلم دبیرستان را گرفتی؟

۲۶ [۴۰] hearing آنها باید بلندتر صحبت کنند زیرا مادر بزرگشان سنگین

گوش است. (عبارت hard of hearing به معنی «سنگین گوش» است.)

۲۷ [۴۰] textbook اولین کتاب درسی فارسی در مورد بیماری‌های کودکان

توسط دکتر قریب نوشته شد.

۲۸ [۴۰] poetry حافظ بیشتر به خاطر نوع خاصی از شعر که غزل نامیده

می‌شود معروف است.

۲۹ [۴۰] responsibility آیا وظیفه تو است که وقتی مادرت خانه نیست از

برادر کوچکت مراقبت کنی؟

۳۰ [۴۰] گزینه «d» بعد از اینکه بیمار شدی زمان می‌برد تا به توان کامل برگردی.

(a) نوجوان (b) عملکرد، وظیفه (c) مکث (d) توان، قدرت